

# ملی بازگشت... در حسرت روزها

دکتر منیر السادات هژبر

## اشاره

به یاد قیصر امین پور، در حسرت آن روزهای  
برنگشتنی دیدار و گفت‌وگو با او، از زبان خود  
با شعر او می‌گوییم:

هر چند که دل‌تنگ‌تر از تُنگ بلورم

با کوه غمت سنگ‌تر از سنگ صبورم

اندوه من انبوه‌تر از دامن الوند

بشکوه‌تر از کوه دماوند غرورم

یک عمر پریشانی دل بسته به مویی است

تنها سر مویی ز سر موی تو دورم

ای عشق به شوق تو گذر می‌کنم از خویش

تو قاف قرار من و من عین عبورم

بگذار به بالای بلند تو ببالم

کز تیره نیلوفرم و تشنه نورم

(گل‌ها همه آفتابگردانند، ۱۳۸۶: ۱۲۲)

## صبور و صادق و صمیمی

زمانی که رفت، هشت سال بود که با مرگ  
دست و پنجه نرم می‌کرد اما حسرت یک  
«آخ» را بر دل آن گذاشت. شاید این عمر  
پردرد و رنج و صبوری را برای شعر امروز از  
خدا گرفته بود.

گذشته از سخن و شعر و فکر و الایش، نجابت  
و مهربانی و یکرنگی‌اش دل از کودک و  
جوان و پیر و میان سال روده و همه را بی‌قرار  
و پریشان نبودنش کرده است. دانشجویانش  
مشتاق و حریص در کلاس‌هایش شرکت  
می‌کردند و هراس از دست دادن حتی یک  
ساعت از حضور در کلاس دکتر امین پور،  
بی‌تابانه به صحن کلاس می‌کشاندشان و  
همه تن چشم و سراپاگوش می‌نشانده‌شان.

آشارش را نیز بارها نام برده و معرفی  
کرده‌اند؛ از «آینه‌های ناگهان» گرفته که

- *Iranian Drama: an Anthology*, California:

Mazda: 1989

- *Iranian Film and Persian Fiction*, California:

Mazda: 2016

- *Persian Cuisine: Traditional Regional and Modern Foods*, California: Mazda: 2014

- *Persian to Beginners*, California: Mazda: 1985

- *Reading Chubak*, California: Mazda: 2005

- *Prophets of Doom*, California: Mazda: 1984

- *Persian Cuisine: Traditional Foods; Book 1*, California: Mazda: 1982

- *Persian Cuisine, Book Two: Regional and Modern Foods*, California: Mazda: 1984

- *In a Persian Mirror: Images of the West and Westerners in Iranian Fiction*, Austin: University of Texas Press, 1993

- *Kanizu*, California: Mazda: 2004

- *Iranian Languages and Culture: Essays in Honor of Gernot Ludwig Windfur*, California: Mazda: 2012

- *The Neighbor Says: Nima Yushig and the Philosophy of Modern Persian Poetry*, Bethesda: Ibbex, 2009

- *A Persian Mosaic: Essays on Persian Language, Literature and Film in Honor of M.R. Ghanoonparvar*, Bethesda, Ibbex Publisher: 2015

۱۲. ترجمه‌های او عبارت‌اند از:

- *on Islam and shi'ism*, by Ahmad Kasravi (Author), California: Mazda: 1990

- *The Battle of Prophets and Wizards: Book 1: The Nostradamus Code and Vampires*, by Amir Moazenzadeh (Author), California: Mazda: 2014

- *The Myth of Creation: A Puppet Show in Three Acts*, by Sadeq Hedayat (Author), Kaya Behkalam (Illustrator), California: Mazda: 1998

- *Savushun: A Novel About Modern Iran*, Washington, DC: Mage Publisher, 1991

- *The Patient Stone*, by Sadiq Chubak (Author), California: Mazda: 1989

- *The Tales Of Sabalan: The Mountain Called Me and on the Edge of the Precipice*, by Mohammad Reza Bayrami (Author), California: Mazda: 2008

14. *Fortune Told in Blood (CMES Modern Middle East Literatures in Translation)*, Center for Middle Eastern Studies University of Texas at Austin, 2008

15. *Red Olive: One Woman's Account of Survival, Revolution and War*, California: Mazda: 2015

۱۶. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی جوایز متعلق به این اثر، رک.

<http://www.yjc.ir/fa/news/158226>

به خوبی توانسته است فضای اثر را در ذهن مخاطب به تصویر بکشد و با زبانی ساده، خواننده را با خود همراه سازد و ماجرا را در مقابل دیدگان او ترسیم سازد؛ به طوری که مخاطب به دور از شرایط بحرانی جنگ در مناطق عملیاتی، به راحتی خود را در سنگر رزمندگان می‌بیند، با آن‌ها زندگی می‌کند، روابط آن‌ها را با یکدیگر درک می‌کند، عقاب را در دستان خود حس می‌کند و حتی خود را در تیمارداری و حس علاقه نسبت به آن، شریک می‌بیند. زبان ساده و روان اثر نیز در دستیابی نویسنده به هدف خود نقش قابل توجهی دارد.

شاید مجموع این صفات و به‌ویژه شخصیت‌های داستان، برخی خوانندگان و منتقدان را بر آن داشته است تا این رمان را در ردیف آثار داستانی رده‌ی سنی نوجوانان قلمداد و ارزیابی کنند، اما نگارنده بر آن است که نظر به ویژگی‌های این اثر در مقایسه با ادبیات داستانی معاصر ایران، بایرانی توانسته است با هنرمندی، اثری دلنشین و جذاب را خلق کند که گذشته از نوجوانان، سایر گروه‌های سنی نیز می‌توانند مخاطب آن باشند و از خواندنش لذت ببرند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. غالب ترجمه‌های انگلیسی این آثار، به قلم نگارنده معرفی و به مرور در چند قسمت منتشر شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر، رک. «معرفی برخی از مهم‌ترین ترجمه‌های کتاب‌های دفاع مقدس»، جمهوری اسلامی، صفحه‌ی جبهه و جنگ، قسمت اول: ۲ آذر ۹۳؛ قسمت دوم: ۹ آذر ۹۳؛ قسمت سوم: ۱۶ آذر ۹۳؛ قسمت چهارم: ۲۳ آذر ۹۳؛ قسمت پنجم: ۷ دی ۹۳؛ قسمت ششم: ۹ دی ۹۳؛ قسمت هفتم: ۲۱ دی ۹۳؛ قسمت هشتم: ۲۸ دی ۹۳؛ قسمت نهم: ۳۰ دی ۹۳؛ قسمت دهم: ۱۲ بهمن ۹۳.

2. Paul Sprakman  
۳. برای کسب اطلاعات بیشتر از برخی از کاستی‌های ترجمه‌های موجود، رک. «پیش‌درآمدی بر اهداف، موانع و راهکارهای ترجمه‌ی ادبیات دفاع مقدس»، فصلنامه‌ی هابیل، زمستان ۹۳، شماره ۸ (پیاپی ۱۳)، صص ۷۲-۸۲.

4. *Journey to Heading 270 Degrees*, by Ahmad Dehghan (Author), California: Mazda: 2006.

5. *Chess with the Doomsday Machine*, by Habib Ahmadzadeh (Author) California: Mazda: 2008

6. *A City under Siege*, by Habib Ahmadzadeh (author), California: Mazda: 2010

7. *One Woman's War: Da [Mother]*, California: Mazda: 2014

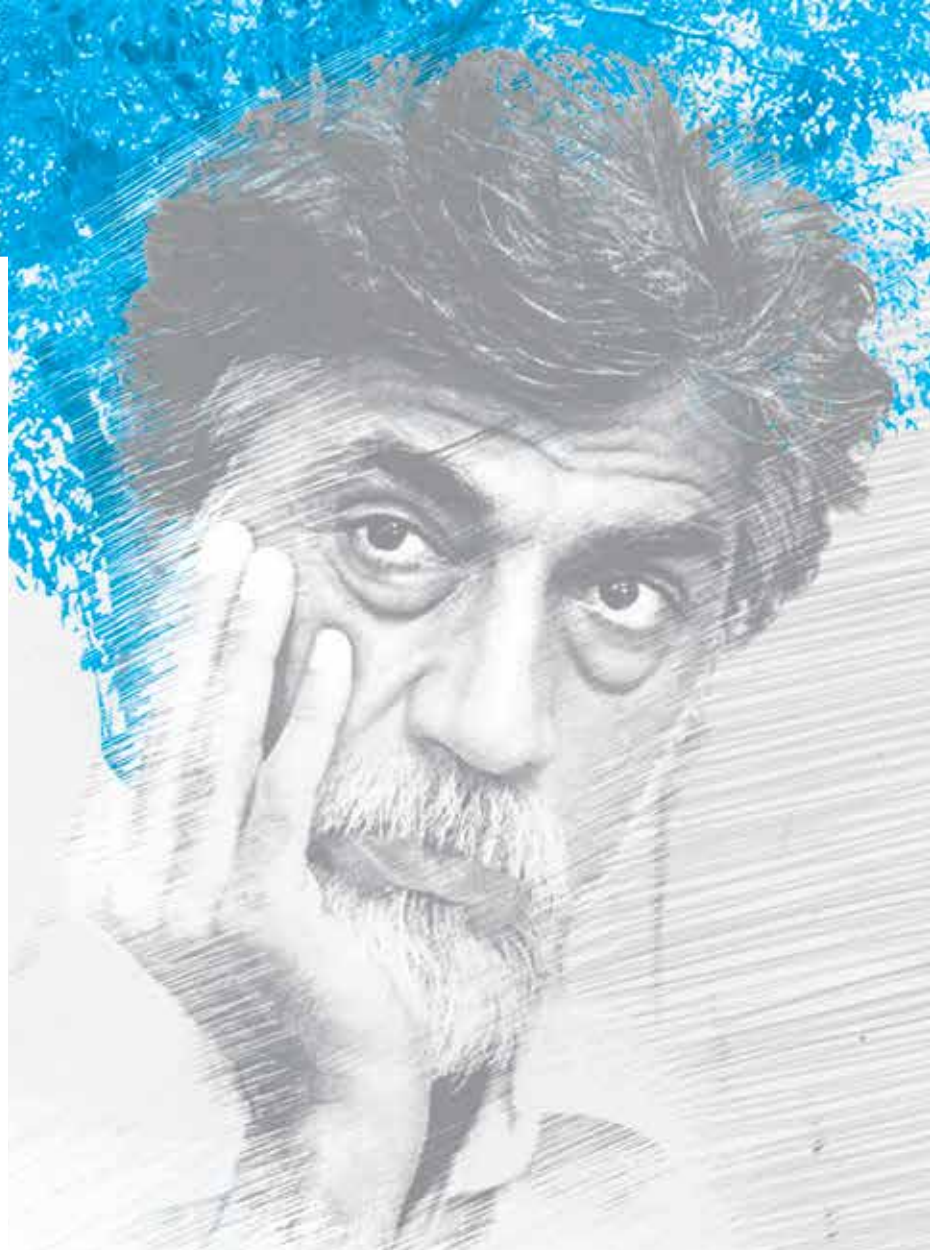
۸. رک. «پیش‌درآمدی بر اهداف، موانع و راهکارهای ترجمه‌ی ادبیات دفاع مقدس»

9. University of Texas at Austin

10. University of Virginia

11. University of Arizona

۱۲. تألیفات او عبارت‌اند از:



زیر نام قیصرش رسیده است: «این منم در آینه یا تویی برابرم/ ای ضمیر مشترک ای خود فراترم/ این تویی خود تویی، در پس نقاب من/ ای مسیح مهربان زیر نام قیصرم..» و بالاخره پژوهش پرمایه دوران عالی تحصیلاتش، کتاب ارزشمند «سنت و نوآوری در شعر معاصر» که با راهنمایی استاد محمدرضا شفیعی کدکنی آن را نوشت. زندگی برای قیصر امین پور تنها در شاعری و تدریس خلاصه نمی‌شد. او در کتاب «سنت و نوآوری در شعر معاصر» در مقام یک نظریه‌پرداز و محقق ادبیات ظاهر شده است که به دور از حاشیه‌ها و جنجال‌هایی که بحث سنت و تقابل آن با نوآوری همواره برانگیخته، این جریان را در ادبیات ایران بازخوانی کرده و توضیح داده است؛ البته با نگاهی آشتی‌جویانه به مقوله «سنت و نوآوری» و به گونه‌ای داوری معقول و بی‌طرفانه و نگاهی که برخاسته از سنت نقد دانشگاهی است، بی‌آنکه دچار یک‌سویه‌نگری و نفی سنت به سود نوآوری یا برعکس شده باشد. در این کتاب، امین پور منتقدی محتاط است که می‌کوشد در داوری دستخوش هیجان نشود و تمام تلاش خود را می‌کند که از طریق اعتدال بیرون نرود و با «نگاه منشوری» موضوع مورد بحث را به طور همه‌جانبه تحلیل کند. نگاهی که میراث استاد شفیعی کدکنی و پیش از او زنده‌یاد «بدیع‌الزمان فروزانفر» در سنت نقد دانشگاهی است و امین پور در این کتاب اثبات می‌کند که یکی از میراث‌داران شایسته استاد خویش در عرصه نقد و تحقیق دانشگاهی است. جالب توجه است که امین پور در این کتاب ضمن ارائه تصویری دقیق و چندجانبه از دو جریان تاریخ شعر ایران (سنت و نوآوری) به نحوی هوشمندانه موضوع نوآوری خودآگاه و ناآگاهانه در شعر کلاسیک را پیش می‌کشد و نظریه‌ای را ارائه می‌دهد که براساس آن، نوآوری شاعران پیش از سبک هندی از نوع نوآوری ناآگاهانه است و او نخستین نوآوری توأم با آگاهی را نوآوری شاعران سبک هندی می‌داند!

#### پی‌نوشت

۱. علی شروقی، «میراث‌دار نقد دانشگاهی، مروری بر کتاب سنت و نوآوری در شعر معاصر» شهروند امروز، ۱۴ مرداد ۸۶.

اگر شمال بهتر است چرا جهت قبله به سمت جنوب است؟ چرا خدا خانه خود را در جهت جنوب ساخته است...؟ (بی‌بال پریدن، ۱۳۷۶: ۲۹)

«سرودی برای پاکی» را از این دفتر بخوانید تا ببینید که او چگونه معنای واژه‌ای و مفهوم شغلی را با دگرگونی تمام از سمت منفی‌نگرانه و ناچیز به سمت خوبی و عزت و تعالی می‌کشاند و نگرش‌ها را درباره صاحبان این شغل تصحیح می‌کند. وقتی می‌گوید: «رفتگر یعنی کسی که آلودگی‌ها را می‌روید و پاک می‌کند. پس همه مردم رفتگرند؛ چون بالاخره هر کس - از فقیر گرفته تا ثروتمند - در زندگی چیزی را تمیز می‌کند. پس حتی پزشک، دندان‌پزشک و آموزگار رفتگرند.» و یا «دستور زبان عشق» او که خود فراترش را در آن نمایانده است و به عبارتی به خویشتن واقعی‌اش در پس نقاب من و مسیحی مهربان

آیینۀ در دوازه‌ها و زخم‌ها و تمثیل‌های انسان‌شناسانه او در روزگار زنگار گرفته ماست تا «گل‌ها همه آفتابگردانند» که در آن به سادگی از کلاف واژه‌های مشبک متناسب عبور می‌کند و در آن تمام گل‌ها را از تبار عاشقان آفتاب می‌نمایاند، تا «بی‌بال پریدن» که آن را حرف‌های خودمانی هم گفته‌اند اما همه جمله‌هایش حکایت از قصه فرشتگان زمینی دارد که بالشان آرزوی پروازشان است و حرف‌های خودمانی این دفتر همان حرف‌هایی هستند که به قول خود شاعر، در حاشیه ذهن آدم گرد و خاک می‌خورند و حرف‌هایی هستند که از تار و پود دل برمی‌خیزند و پرده دل را می‌لرزاند و در قالب‌های قراردادی هم جای نمی‌گیرند و امین پور این حرف‌ها را برای دل‌های آگاه و بی‌قرار و کسان با ادراک نوشته است؛ مثل: «خدا در همسایگی ما» که در آن می‌گوید: